

برگهان خود بگسستن و چون ویرانگی در آن کرد که گوید هر چه من چه آوردی فرزند
ادم گوید هر چه تو جنت که گوید هر چه من سید جز نبست زبان نکر خدای تعالی
وقت ارادت با سخاوت و نماز با رکوع و سجود گوی آوردن و چون خاک
بر و خور نیز نه منکر و نیکو گوید هر چه من چه آوردی و ز نادم گوید هر چه تو جنت
منکر و نیکو گوید هر چه ما سید جز نبست از بول بر هیز زدن و کلوی خود را
از حرام و شنبه نگاه داشتن و تن خود را از دوستی دنیا باز داشتن
و چون روز قیامت شود سر از کور بر آرد و پیغمبر گوید هر چه من آوردی
فرزند ادم گوید هر چه تو جنت یا رسول الله پیغمبر گوید صلی الله علیه و آله
که هر چه من سید جز نبست کی علم قرآن در فرزندان و عیال خود آموختن و ستیها
مرا بی آوردن و از یاران من نیکویی یا اهل حق و چون نامه کردار بدست
او و عهد نامه گوید هر چه من چه آوردی فرزند ادم گوید هر چه تو جنت نامه
گوید هر چه من سید جز نبست قرآن خواندن و تسبیح گفتن و استغفار کردن
و چون ستر از بر نیز ترا از نیکو گوید هر چه من چه آوردی فرزند ادم گوید هر چه
تو جنت ترا و گوید هر چه من سید جز نبست طاعت خدای تعالی
و فرمان تو نگاه داشتن و در نهان و آشکارا صدقه دادن و نگاه

بهر روز و طاعت
سختی چون

سنت

استغفار کردن و چون سبهار کا با بسته فرمان از خدای عز و جل آید
که ای بنده من هر چه من چه آوردی بنده گوید ای ما رضا ای هدیه تو جنت
فرمان آید که با هر چه جز نبست در دار دنیا هیچ وقتی تو ایستی که بر آرد
مسلمان چشم گرفتنی که آن چشم را نماندنی و آن چشم را از بهر من فرو
خوردی و دیگر هیچ وقتی نزد معصیت ما را یاد کردی و از بهر ما زبان
معصیت باز نمودی و دیگر گاهی بر هیچ نامش ایستی دست یافتی و
در آن حال از ما تبر سیدی و از آن باز ایستادی و چون بر حراطه کسی
حراطه کردی که هر چه من چه آوردی فرزند ادم گوید هر چه تو جنت حراطه گوید
که هر چه من سید جز نبست ای جان پاک و اندرون پاک از خصمان و
عبادت پاک از ریا و چون بد بر نهنت رسد رضوان گوید هر چه من
چه آوردی فرزند ادم گوید هر چه تو جنت رضوان گوید که هر چه من چه
سج و وقتی طعام در پیش راستی تا بخوری و سالی بر رطوبت آید کی بکن
در وسط طعم او را طعام دادی از بهر طعمها بهشت و گاهی جانم
نویسیدی و آن جاده که نه در ریش داوی از بهر طها و بهشت
و سبب وقتی از شراب حرام بار داشتی از بهر این که در بهشت